

Inequality of Happiness and Its Relationship to the Level of Development of Tehran Districts (A Case Comparison of Districts 3, 13, and 17 of Tehran)

Mostafa Azkia ¹✉  Reyhaneh Tamizifar ² 

1. Professor, Department of Social Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mostafa_azkia@yahoo.com
2. Corresponding Author, PhD in Economic Sociology and Development, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran. .E-mail: tamizi.r@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

18 - 6 - 2024

Received in revised form:

20 - 7 - 2024

Accepted:

27 - 7 - 2024

Published online:

06 - 4 - 2025

Keywords:

Happiness, inequality of Happiness, adjusted inequality of Happiness, development, Tehran.

Extended Abstract

Objective: Adjusted Happiness Inequality Index (IAH) is a new and suitable index to show the Happiness status in different countries or regions, which is obtained from the combination of average and standard deviation statistics, and in addition to Happiness, it also shows its inequality. The present article tries to combine the approach of egalitarians and utilitarians to present a picture of "vigor" and "adjusted inequality of Happiness" in Tehran based on the level of development of the regions and explain their differences based on the development levels of these regions. For this purpose, the areas of Tehran city have been divided into three clusters with high, medium and low development levels, and one area from each cluster has been selected for study. What is referred to as Happiness in this article is people's overall assessment of their lives. The same individual evaluation when analyzed collectively can give a very good idea for analyzing the development situation and achieving sustainable development in a region.

Method: The current article is based on research data, the two main indicators of which are the level and inequality of Happiness among the selected areas, which have been carried out with a quantitative survey method in a broad and cross-sectional manner. The statistical population of the study is the population of 18 years and older in Tehran, and the sample size is estimated to be 600 people using Cochran's sampling formula. The sample population was divided based on the ratio of population between different regions in such a way that region 3 was equal to 230 people, region 13 was equal to 177 and region 17 was determined to be 193 people. To collect data, a questionnaire tool was used in a sample size of 600 people from three areas of Tehran with different levels of development, and cluster and systematic random sampling methods were used. Two types of commonly used scales to measure Happiness retrospectively have been used in the current research. The first is the Oxford questionnaire, and its final form is prepared with 29 questions, 4 options, in which a person judges himself from feeling unhappy to feeling extremely happy. spss software was used to analyze the data, and the excel file of this index was used to calculate the IAH index.

Results: The findings show that, just as at the macro level and among countries, the level of Happiness and inequality of Happiness varies according to the level of development, this is also true at the level of urban areas; This means that in the areas that have higher development, they have a better state of Happiness. A better situation is also



measured by the amount and distribution of Happiness; That is, where the level of Happiness is higher and inequality is lower, its situation is better than other areas. To show the level and extent of inequality of Happiness, adjusted index of inequality of Happiness was used. Areas with a higher IAH score have a better state of Happiness and this will be different based on the level of development. The Happiness inequality score, calculated in a range of 0 to 100 points, is equal to 57.52 in region 3, 52.55 in region 13, and 42.45 in region 17, and in Tehran, in general, it is equal to 50.32. Comparing these numbers with each other fully confirms the relationship between the inequality of Happiness and the level of development of the regions. Among the studied regions, region 3 with an average of 6.85 is higher than other regions, and regions 13 and 17 have an average of 6.33 and 5.59, respectively. It is noteworthy that in all three regions, the average Happiness is higher than the average (i.e. 5). On the other hand, the examination of the standard deviation shows that the level of Happiness inequality (or people's overall assessment of their life situation) in region 17 is higher than other regions, and region 3 has less inequality than regions 13 and 17. In this way, region 3 with the highest average and the lowest level of inequality of Happiness has a better state of Happiness than other regions. As in many researches conducted between countries, the countries that have a higher rank in terms of the level of development have better conditions in terms of inequality of Happiness.

Conclusion: The results underscore the profound influence of socio-economic development on youth migration in Iran. To mitigate youth migration and effectively manage population dynamics, substantial policy interventions are imperative. These measures should encompass bolstering the economy and fostering stable employment opportunities in less developed regions, enhancing human development indicators, and conducting precise and efficacious assessments of local needs and challenges.

Cite this article: Azkia, M., & Tamizifar., R. (2025). Inequality of Happiness and Its Relationship to the Level of Development of Tehran Districts (A Case Comparison of Districts 3, 13, and 17 of Tehran). *Biopolitics and Development*, 1 (1), 41-60.



نابرابری نشاط و ارتباط آن با میزان توسعه‌یافتگی در مناطق شهر تهران (مقایسه موردی مناطق ۳، ۱۳ و ۱۷ شهر تهران)

مصطفی ازکیا^۱ | اریحانه تمیزی فر^۲

۱. استاد، گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mostafa_azkia@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: tamizi.r@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده مبسوط
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷</p>	<p>هدف: شاخص نابرابری تعدیل شده نشاط (IAH) شاخص جدید و مناسبی برای نشان دادن وضعیت نشاط در کشورها یا مناطق مختلف است که از ترکیب آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد به دست می‌آید و علاوه بر میزان نشاط، نابرابری آن را نیز نشان می‌دهد. مقاله حاضر درصدد است با ترکیب رویکرد مساوات‌گرایان و مطلوبیت‌گرایان تصویری از "نشاط" و "نابرابری تعدیل شده نشاط" در شهر تهران براساس میزان توسعه‌یافتگی مناطق ارائه و تفاوت آن‌ها را براساس سطوح توسعه‌یافتگی این مناطق تبیین کند. بدین منظور مناطق شهر تهران به سه خوشه با سطح توسعه‌یافتگی بالا، متوسط و پایین تقسیم و از هر خوشه یک منطقه برای مطالعه انتخاب شده است. آنچه در این مقاله از آن به‌عنوان نشاط یاد می‌شود ارزیابی سراسری افراد از زندگی خویش است. همین ارزیابی فردی وقتی به شکل جمعی تحلیل شود می‌تواند ایده بسیار خوبی برای تحلیل وضعیت توسعه و دستیابی به توسعه پایدار در یک محدوده را به دست دهد.</p>
<p>کلیدواژه‌ها: نشاط، نابرابری نشاط، نابرابری تعدیل شده نشاط، توسعه‌یافتگی، تهران.</p>	<p>روش: مقاله حاضر متکی بر داده‌های تحقیقی است که دو شاخص اصلی آن میزان و نابرابری نشاط در میان مناطق انتخاب شده با روش کمی از نوع پیمایش به صورت پنهانگر و مقطعی به انجام رسیده است. جامعه آماری پژوهش را جمعیت ۱۸ سال و بالاتر در شهر تهران می‌دهد که حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۶۰۰ نفر برآورد شده است. جمعیت نمونه براساس نسبت جمعیت بین مناطق مختلف بدین صورت تقسیم شد که منطقه ۳ برابر با ۲۳۰ نفر، منطقه ۱۳ برابر با ۱۷۷ و منطقه ۱۷ نیز ۱۹۳ نفر تعیین شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه در حجم نمونه ۶۰۰ نفری از سه منطقه شهر تهران با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. دو نوع مقیاس پرکاربرد برای اندازه‌گیری نشاط به روش گذشته‌نگر در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. اول پرسشنامه آکسفورد است و فرم نهایی آن با ۲۹ پرسش ۴ گزینه‌ای آماده شده که در هر پرسش فرد درباره خود از احساس ناشادی تا احساس شادی بسیار زیاد، قضاوت می‌کند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss و برای محاسبه شاخص IAH از فایل اکسل محاسبات این شاخص استفاده شده است.</p>
	<p>یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند، همان‌طور که در سطح کلان و در بین کشورها میزان نشاط و نابرابری نشاط بر حسب میزان توسعه‌یافتگی متفاوت است، در سطح مناطق شهری نیز این امر صادق است؛ بدین معنا که در مناطقی که توسعه‌یافتگی بالاتری دارند وضعیت نشاط بهتری دارند. وضعیت بهتر هم بر حسب میزان و پراکندگی نشاط سنجش می‌شود؛ یعنی جایی که میزان نشاط بالاتر و نابرابری پایین‌تری دارد، وضعیت آن بهتر از مناطق دیگر است. برای نشان دادن سطح و میزان نابرابری نشاط از شاخص نابرابری تعدیل شده نشاط استفاده شد. مناطقی که نمره IAH آن‌ها بالاتر است وضعیت نشاط آن‌ها بهتر است و این براساس سطح توسعه‌یافتگی متفاوت خواهد بود. در میان مناطق مورد مطالعه منطقه ۳ با میانگین ۶/۸۵ بالاتر از دیگر مناطق است و منطقه ۱۳ و ۱۷ نیز به ترتیب دارای میانگین ۶/۳۳ و ۵/۵۹ هستند. نکته قابل توجه این است که در هر سه منطقه میانگین نشاط بالاتر از حد متوسط (یعنی ۵) است. از طرف دیگر بررسی انحراف استاندارد نشان می‌دهد که میزان نابرابری نشاط (یا ارزیابی</p>



کلی افراد از وضعیت زندگی خویش) در منطقه ۱۷ بالاتر از دیگر مناطق است و منطقه ۳ نیز از منطقه ۱۳ و ۱۷ نابرابری کمتری دارد. بدین ترتیب، منطقه ۳ بالاترین میانگین و کمترین میزان نابرابری نشاط نسبت به دیگر مناطق از وضعیت نشاط بهتری برخوردار است. نمره نابرابری نشاط، که در یک طیف ۰ تا ۱۰۰ نمره‌ای محاسبه شده، در منطقه ۳ برابر با ۵۷/۵۲، منطقه ۱۳ برابر با ۵۲/۵۵ و منطقه ۱۷ برابر با ۴۲/۴۵ و در شهر تهران، به‌طور کلی، معادل ۵۰/۳۲ است. مقایسه همین اعداد با یکدیگر کاملاً ارتباط بین نابرابری نشاط و سطح توسعه یافتگی مناطق را تایید می‌کند. همان‌گونه که در پژوهش‌های متعدد انجام شده بین کشورها، کشورهایی که از رتبه بالاتری از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی برخوردار هستند از نظر نابرابری نشاط دارای شرایط بهتری هستند.

نتیجه: نتایج پژوهش نشان داد که در سطح مناطق شهری "نشاط" و "نابرابری تعدیل شده نشاط" با سطح توسعه-یافتگی رابطه دارد؛ بدین معنا که در مناطق با توسعه‌یافتگی بالاتر میانگین نشاط بالاتر و نابرابری نشاط کمتر است. در مناطقی که توسعه‌یافتگی بالاتری دارند به دلیل بهبود در شرایط زندگی اعم از برطرف شدن نیازها و خواسته‌ها افراد قضاوت بهتری نسبت به شرایط زندگی خود دارند. از آنجا که نشاط در اینجا به عنوان ارزیابی کلی فرد از شرایط زندگی سنجش شده، یافته‌ها نشان می‌دهند که بهبود شرایط زندگی اثر مستقیمی بر نشاط دارد.

استناد: ازکیا، مصطفی و تمیزی‌فر، ریحانه. (۱۴۰۴). نابرابری نشاط و ارتباط آن با میزان توسعه‌یافتگی در مناطق شهر تهران (مقایسه موردی مناطق ۳، ۱۳ و ۱۷ شهر تهران). زیست‌سیاست و توسعه، ۱(۱)، ۴۱-۶۰.



۱. مقدمه

نشاط مقوله‌ای چندبعدی است که بر اساس رویکردهای جدید می‌تواند ارزیابی جامعی از زندگی فرد ارائه دهد. اهمیت سنجش نشاط سبب ایجاد تغییر در رویکردهای نظری و تحلیلی- تجربی فهم بهتر مناسبات اجتماعی شده است؛ تا آنجا که یکی از بخش‌های مهم در تحقیقات و مطالعات اقتصادی بحث نشاط است و از آن به عنوان یک راه حل جدید در مطالعات اقتصادی نام برده می‌شود. همچنین در مطالعات توسعه نیز بحث نشاط از جایگاه مهمی برخوردار و بین نشاط و توسعه یک پیوند قوی ایجاد شده است؛ "در تصویب اهداف توسعه هزاره توسط سران کشورها در سال ۲۰۱۵ به مفهوم نشاط اشاره و از آن به عنوان یکی از مولفه‌های توسعه پایدار است. بر مبنای اهداف توسعه هزاره، توسعه پایدار یک رویکرد جامع به رفاه است که خواستار دستیابی جوامع به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به شیوه‌ای یکپارچه است" (World Happiness report, 2016: 4). با این توضیح که زمانی می‌توان نشاط اجتماعی را ارتقاء داد که بتوان توسعه را به شیوه‌های متوازن و پایدار پیش برد. توسعه پایدار و متوازن خود شامل مؤلفه‌هایی از قبیل حفظ محیط زیست، توزیع برابر درآمد، حمایت اجتماعی و نظایر آن است که عدم تعادل در این مؤلفه‌ها می‌تواند سطح نشاط را تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌های گزارش‌های جهانی نشاط نشانگر این است که "در سال‌های اخیر خیلی از کشورها دستیابی به رشد اقتصادی را با افزایش شدید نابرابری، محرومیت اجتماعی تثبیت شده و آسیب جدی به محیط زیست به دست آورده‌اند" (همان: ۵) و این امر می‌تواند دستاورد ناخوشایندی برای رفاه و نشاط جامعه در پی داشته باشد.

داده‌های مربوط به نشاط به روش‌های مختلفی جمع بندی و تحلیل می‌شوند. اگر هدف تعداد بیشتر شهروندان با نشاط است "میانگین" مدنظر قرار می‌گیرد و اگر تمرکز تحلیل‌ها بر روی نشاط پایدار باشد شاخص "سال‌های زندگی با نشاط"^۲. اگر هدف کاهش نابرابری در بین شهروندان است شاخص مربوط به "نابرابری نشاط"^۳ و در صورتی که هم تعداد شهروندان با نشاط و هم کاهش نابرابری مدنظر باشد شاخص "نابرابری تعدیل شده نشاط"^۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (Veenhoven, 2007: 1).

آنچه که در ارتباط با نشاط در اکثر مطالعات دارای اهمیت بوده سطح (میزان) و میانگین نشاط است که برگرفته از رویکرد مطلوبیت‌گرایی است. پیروان این رویکرد بر این امر تأکید داشتند که در جامعه باید بیشترین میزان نشاط را برای بیشترین تعداد از افراد جامعه فراهم آورد. "که این شاخص به دلیل درجه زیست‌پذیری بالای افراد در جوامع امروزی" (Veenhoven, 2010: 112) به تنهایی نمی‌تواند شاخص مناسبی باشد. اما مطالعات انجام شده با دیدگاه مساوات‌گرایی زاویه نگاه به نشاط را تغییر داده و علاوه بر میزان نشاط، پراکندگی (نابرابری) آن را در جامعه نیز به صورت جدی مورد توجه قرار داده‌اند. در این دیدگاه، جامعه‌ای ایده‌آل است که افراد آن کمترین میزان نابرابری نشاط را داشته باشند. هر کدام از این دو دیدگاه در عین نقاط قوتی که دارند با چالش‌هایی از قبیل نگاه تک بعدی به این مقوله روبه‌رو هستند که ضرورت یافتن رویکردی جامع‌تر را اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ بدین معنا در پژوهش‌های مربوط به نشاط اجتماعی، باید هم سطح (میانگین) نشاط و هم وضعیت پراکندگی (نابرابری) آن در جامعه مورد مطالعه قرارگیرد. از این رو، امروزه رویکرد جدیدی در مطالعات و پژوهش‌های حوزه نشاط مطرح شده که این دو بعد را هم‌زمان مورد توجه قرار داده و آن را بر مبنای سطوح توسعه‌یافتگی جوامع مورد مطالعه تبیین می‌کند. به عبارت بهتر، سطح نشاط و نابرابری برخوردار از آن را با میزان تحقق اهداف توسعه در ارتباط قرار داده است و توجه پژوهشگران را در مطالعات ملی و فراملی (برای نمونه گزارش جهانی نشاط، ۲۰۱۷) برانگیخته است. موضوع نشاط در ایران تاکنون با این رویکرد مورد مطالعه قرار نگرفته و خلأ چنین پژوهش‌هایی به خوبی احساس می‌شود. در این راستا بررسی اثرات توسعه بر سنجش توأمان میزان و نابرابری نشاط می‌تواند درک جدیدی از نابرابری را برای ما فراهم کند. همچنین، کلان‌شهرها نیز به عنوان مراکزی که دارای مناطقی با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت هستند می‌توانند طیف

1. Average happiness

2. Happy Life Years

3. Inequality of Happiness

4. Inequality-Adjusted Happiness

متفاوتی از میزان نشاط و نابرابری آن را داشته باشند.

مقاله حاضر نیز با پیروی از این رویکرد در تلاش است که میزان نشاط و نابرابری برخوردار از آن را در میان مناطق مختلف شهر تهران مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و تفاوت آن‌ها را براساس سطوح توسعه‌یافتگی این مناطق تبیین کند. کلان‌شهر تهران دارای ۲۲ منطقه با حجم جمعیتی و سطوح توسعه‌یافتگی متفاوتی است که مناطق آن نیز دارای درجات متفاوتی از سطح (میزان) و نابرابری نشاط هستند و میدان مناسبی برای بررسی این تنوع به‌شمار می‌رود. براین اساس، در اینجا میزان و نابرابری نشاط در سه منطقه با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت در شهر تهران مورد بررسی قرار می‌گیرند. آنچه در این مقاله از آن به‌عنوان نشاط یاد می‌شود ارزیابی سراسری افراد از زندگی خویش است. همین ارزیابی فردی وقتی به شکل جمعی تحلیل شود می‌تواند ایده بسیار خوبی برای تحلیل وضعیت توسعه و دستیابی به توسعه پایدار در یک محدوده را به دست دهد.

بدین ترتیب، هدف اصلی این مقاله به دست دادن تصویری از میزان نشاط و نابرابری نشاط برحسب میزان توسعه‌یافتگی در مناطق مختلف شهر تهران است. در واقع ضمن تبیین مفاهیم "نابرابری نشاط" و "نابرابری تعدیل شده نشاط" تمرکز پژوهش به جای تفاوت بر سطح نشاط بر روی تفاوت در نابرابری نشاط قرار گرفته و به دنبال پاسخگویی به این سوال است که چه تفاوتی میان مناطق مورد مطالعه به لحاظ میزان نابرابری نشاط وجود دارد؟ و آیا تفاوتی از لحاظ نابرابری نشاط بین مناطق با سطح توسعه‌یافتگی مختلف وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

موضوع نابرابری نشاط بحث جدیدی است که در دهه ۱۹۹۰ توسط دانشمندان در حوزه نابرابری مطرح شد. "گروه پژوهشی نشاط در دانشگاه اراسموس^۳، موضوع "نابرابری نشاط در بین ملت‌ها" را مورد بررسی قرار داد. اولین مطالعه‌ی آن‌ها مربوط به تأثیر رکود اقتصادی سال ۱۹۸۰ بر نابرابری نشاط در کشورهای اروپای غربی است که در آن، هیچ‌گونه تأثیر نظام‌مندی یافت نشد. پژوهش دوم، مسئله‌ی پراکندگی نشاط را در بین ۲۸ کشور مورد بررسی قرار داد. این پژوهش تفاوت‌های نظام‌مندی را نشان داد (Veenhoven, 1990: 2). در مطالعات بعدی، داده‌های نابرابری نشاط در بین ملت‌ها برای آزمون نظریه‌های نشاط (Veenhoven & Ehrhardt, 1995) و بررسی امکان برابری تأثیرات یک حالت رفاهی مورد استفاده قرار گرفت (Veenhoven & kalmijn, 2005: 359). فهی و اسمیت (Fahey & Smith: 2003) با مطالعه خود در حوزه نابرابری نشاط این موضوع را مورد بررسی و کنکاش قرار دادند. پژوهش‌های دیگری نیز با این رویکرد انجام شد که یکی از آن‌ها مربوط به اوت (OTT, 2005) است. اوت با مطالعه ۸۰ کشور دریافت که کشورهای دارای میانگین نشاط بالاتر، نابرابری کمتری در نشاط دارند و ارتباط بین سطح و نابرابری نشاط تا حد زیادی برابر و به شرایط نهادی یکسانی وابسته هستند. هاپکینز (Hopkins, 2008) در مطالعه خود به بررسی مدل‌های نظری مختلف و ارتباط آن‌ها با نابرابری می‌پردازد. بروکس (Brooks, 2008) در مطالعه‌ای به سنجش نابرابری نشاط در ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و با استفاده از ضریب جینی این نتیجه را استخراج می‌کند که این مقیاس در آمریکا در سطح پایین و در طول زمان پایدار است. یکی دیگر از مطالعات این حوزه مربوط به اواسکا و تاکاشیما (Ovaska & Takashima, 2010) با عنوان "آیا موجی که از دریا برمی‌خیزد، تمامی قایق‌ها را بلند کرده و آن‌ها را به حرکت در می‌آورد؟" است که در آن به توضیح نابرابری ملی نشاط می‌پردازد. وی با استفاده از داده‌های بین‌کشوری که دارای ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی متنوع هستند و همچنین به کمک آخرین مجموعه داده‌های موجود در خصوص رفاه، به بررسی عواملی می‌پردازد که به نظر می‌رسد بیشترین همبستگی و ارتباط را با نابرابری رفاه در درون ملت‌ها دارند. وینهوون (Veenhoven, 1990) در ادامه تحقیقات خود تأکید می‌کند که گستردگی نشاط، شاخصی امیدبخش و نویددهنده درباره نابرابری اجتماعی در کشورها است.

1. Inequality of Happiness

2. Inequality - Adjusted Happiness

3. Erasmus

براساس مرور مطالعات انجام شده پیرامون موضوع نشاط و نابرابری می توان ادعا کرد که مفهوم "نابرابری نشاط" در هیچ یک از تحقیقات داخلی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. هر چند در برخی پژوهش ها تأثیر نابرابری درآمد بر نشاط مورد آزمون قرار گرفته، اما متغیر نابرابری نشاط، به معنایی که در این پژوهش مورد نظر است و رویکرد جدید در مطالعات جهانی توسعه و نشاط بر آن تأکید دارد، هنوز در مطالعات داخلی پیرامون نشاط مغفول است. تنها مستندات آن که در این زمینه در ارتباط با ایران موجود است مربوط به سنجش سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ گزارش جهانی نشاط است که در سایت داده-محور وینهون میزان این متغیر برای ایران نیز محاسبه شده است. اولین آمار مربوط به میانگین نشاط است که این عدد با دامنه تغییرات ۰ و ۱۰ برای ایران معادل ۵/۸ است. شاخص بعدی نابرابری نشاط است که با انحراف استاندارد سنجیده می شود. ایران با انحراف استاندارد ۲/۴۹ جزء کشورهایی است که انحراف استاندارد بالایی دارد و در میان ۱۵۸ کشور مورد بررسی در رتبه ۱۴۰ قرار دارد. در واقع نابرابری نشاط در جامعه ایران بسیار بالا است. در شاخص نابرابری تعدیل شده نشاط که دامنه آن بین ۰ تا ۱۰۰ است ایران نمره ۴۵ را کسب نموده که در جایگاه ۸۸ در بین ۱۴۲ کشور جهان قرار دارد. شاخص دیگر سال های زندگی با نشاط است که کشور ایران با دارا بودن امید به زندگی ۷۴ سال دارای ۴۳/۱ سال زندگی با نشاط برای ساکنان است که در رتبه ۸۳ از میان ۱۵۸ کشور جهان قرار گرفته است. در نهایت بررسی داده های ایران در طول زمان از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۶ طی ۹ پژوهش مجزا حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۱ به بعد میانگین نشاط در ایران کاهش یافته است.

۳. چارچوب مفهومی

گرفیلن (Griffin, 2007) سطح کلی نشاط را متشکل از رضایت کامل از شرایط زندگی می داند که خارج از کنترل و فعالیت های ارادی است. نشاط شامل موفقیت و حالت ذهنی فرد نیز می باشد؛ یعنی حالات خلق و خو و احساسات، بخشی از شناخت واژه نشاط است (McCaber & etal, 2011: 188). در واقع ترکیب بخش های احساسی و شناختی مکملی برای شناخت نشاط هستند. بنابراین اکثر ارزیابی های انسان بر مبنای دو منبع اطلاعات "ارزیابی احساسی" و "ارزیابی شناختی" محاسبه می شود. یکی از مهم ترین رویکردها و تعریف های اخیر از نشاط مربوط به وینهون (Veenhoven, 1999; 1988; 2005) است. از نظر او نشاط به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کل زندگی اطلاق می شود؛ به عبارت دیگر، نشاط به این معناست که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد. در این تعریف ۴ عنصر درجه یا میزان^۱ (ارزیابی میزان کمال مطلوب زندگی)، فرد^۲ (توصیف حالات یک فرد)، قضاوت^۳ (شناختی که فرد از بررسی تجارب مختلف به دست می آورد) و مطلوبیت^۴ (خوشایندی، ارزشمندی و دوست داشتن زندگی از طرف خود فرد) مورد تأکید قرار می گیرد (Veenhoven, 2007: 7-8). معنای اصلی نشاط که در تعریف وینهون وجود دارد و در این مقاله نیز مورد پذیرش قرار گرفته، این است که "نشاط جنبه ای از کیفیت زندگی تعریف می شود که با رضایت و لذت ذهنی از کل زندگی همراه است. به تعبیر وی نشاط ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود است که نشان می دهد زندگی مطلوب را چه می بیند، این زندگی چگونه انتظاراتش را برطرف می کند و نظایر آن". در واقع "ارزیابی فرد از مطلوبیت کیفیت کل زندگی همان نشاط است" (همان: ۴).

دو رویکرد فلسفی مختلف مطلوبیت گرایی و مساوات گرایی مفهوم نشاط را به خوبی مورد بررسی قرار داده و استانداردهای مختلف خود را برای کسب یک زندگی خوب و ارزیابی مثبت از زندگی به همراه روش هایی برای انجام اصلاحات اجتماعی در جهت تحقق اهداف بیان داشته اند. برخی از دیدگاه ها نیز تلاش کرده اند تا بین دو رویکرد فلسفی خصوصاً در ارتباط با نابرابری و نشاط پیوند برقرار کرده و یک مفهوم ترکیبی فراهم آورند. در ذیل ابتدا تعریف مختصری از این دو دیدگاه فلسفی ارائه و سپس در ارتباط با ترکیب

1. intuitive affective appraisal

2. cognitively guided evaluation

3. Degree

4. Individual

5. Judgement

6. Favorability

دیدگاه‌ها بحث خواهد شد.

رویکرد مطلوبیت‌گرایی^۱: "مطلوبیت‌گرایان اولیه نظیر جرمی بنتام (۱۸۲۲)، مفهوم شادی را در کانون تحلیل‌های خود قرار دادند. مطلوبیت مظهر سود، لذت، خوبی یا شادی است (همه این‌ها به چیز مشابهی اشاره دارد). در این نگاه منظور آن است که به رفاه شخص توجه شود و رفاه نیز یک ویژگی روانی حاصل از شادمانی و خوشحالی تلقی می‌شود (Mousavi & Qasimzadeh, 2017: 109). "یکی از استانداردهای لازم برای یک جامعه خوب، نشاط شهروندان آن است. این مسئله، اصلی اساسی در فلسفه اخلاقی مطلوبیت‌گرایان بوده و به‌طور دقیق‌تر، اصلی اساسی در مطلوبیت‌گرایی قانونی است، که معتقد است سیاستگذاران باید به دنبال جامعه‌ای باشند که بیشترین نشاط را برای بیشترین تعداد شهروندان فراهم کند. این معیار در تحقیقات تجربی نشاط و به‌ویژه در مطالعاتی مورد استفاده قرار گرفته که در آن، میانگین نشاط در سرتاسر کشورها مقایسه شده و تلاش‌هایی در راستای شناسایی آن دسته از ویژگی‌های اجتماعی صورت گرفته که در پشت تفاوت‌های مشاهده شده قرار دارند" (Veenhoven, 1994; 2004) این رویکرد سال‌ها در مطالعات مورد توجه بوده و بر اساس آن سطح (میزان) نشاط با استفاده از آماره میانگین مورد سنجش قرار گرفته است.

رویکرد مساوات‌گرایی^۲: این رویکرد استاندارد است که برای ارزیابی کیفیت یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، "این مسئله، اصلی اساسی در باورهای فلسفه‌ی اخلاقی "مساوات‌گرایان" است، که بیان می‌کند سیاست‌گذاران باید سعی کنند تا آنجا که ممکن است نابرابری را کاهش دهند. این معیار همچنین در تحقیقات تجربی اجتماعی و عمدتاً در مقایسه بین کشوری حقوق برابر و نابرابری درآمد مورد استفاده قرار گرفته است" (Veenhoven & kalmijn, 2005: 42). مفهوم نشاط نیز یکی از مفاهیم مورد تأکید مساوات‌گرایان است که بر "طبق اصول و مبانی طرفداران مساوات‌گرایی، کیفیت یک جامعه باید با استفاده از تمایز و اختلاف در نشاط میان شهروندان مورد سنجش قرار گیرد، به‌طوری که جامعه‌ای در مقایسه با دیگر جوامع، محیط بهتری خواهد بود که تفاوت در حوزه‌ی نشاط بین اعضای آن کمتر باشد. عملکرد جوامع براساس این استانداردها را می‌توان با استفاده از نظرسنجی‌های بین منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار داد". با نگاهی ساده این باور به وجود آمده است که جامعه‌ای ایده‌آل است که نشاط افراد آن با یکدیگر برابر باشد. "معمولاً افراد بین جامعه‌ای که دارای نابرابری کمتری در زمینه‌ی نشاط باشد و جامعه‌ای که در آن سطح یکسانی از نشاط با نابرابری بیشتری توزیع شده باشد، جامعه‌ی اول را ترجیح می‌دهند" (Veenhoven, 2005: 532). وینهون (Veenhoven, 2005) استدلال می‌کند که اندازه‌گیری نابرابری‌ها با استفاده از نابرابری درآمدی به تنهایی کافی نیست و نابرابری دسترسی به منابع کمیاب می‌تواند به‌طور غیر مستقیم و با استفاده از تفاوت در نتایج نهایی زندگی مانند تفاوت در امید به زندگی و نشاط اندازه‌گیری شود. از نظر وی این راه اندازه‌گیری نه تنها برای مقایسه نابرابری در طول زمان و کشورها مناسب است حتی می‌تواند ساده‌ترین راه باشد. به عبارت بهتر، سطح نشاط و نابرابری در برخورداری از آن با میزان و نحوه تحقق اهداف توسعه در ارتباط است. "نتایج تحقیقات جدید نشان می‌دهد که مردم در جوامعی که در آن نابرابری نشاط کمتری دارند به‌طور قابل توجهی شادتر هستند" (World Happiness report, 2016) در گزارش گالوپ بعد از تأیید افزایش عمومی نشاط، شواهدی وجود دارد که کشورهای با توزیع برابری بیشتر از رفاه، به‌طور متوسط ارزیابی بهتری از زندگی خود داشتند (همان) یعنی برای نشان دادن نابرابری، شاخص نشاط گویاتر از توزیع درآمد است.

نابرابری نشاط: به‌طور کلی، توزیع نشاط یک اندازه‌گیری موازی را از عواقب ناشی از هر نوع نابرابری در توزیع متغیرهای کلیدی از قبیل درآمد، بهداشت، آموزش، آزادی و عدالت که زیر بنای سعادت بشر هستند فراهم می‌کند. با توجه به اینکه موضوع اصلی این مقاله نابرابری نشاط است، باید به این سؤال که چه ارتباطی بین نابرابری و نشاط وجود دارد پاسخ داد. افراد معمولاً زندگی خود را با رتبه‌بندی جنبه‌های مختلف زندگی خود ارزیابی می‌کنند و بنابراین "توزیع نشاط، مقیاس هم‌ترازتر و بهتری در خصوص پیامدهای

1. Utilitarianism

2. alitarianism

هرگونه نابرابری در توزیع متغیرهای کلیدی هم چون درآمد، بهداشت، آموزش و پرورش، آزادی و عدالت ارائه می‌کند، که این موارد زیربنای سطوح و توزیع نشاط و خوشی بشر است (World Happiness report, 2003: 33). بنابراین وجود نابرابری در هر یک از ابعاد زندگی می‌تواند نشاط افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و همین امر تفاوت‌هایی را در خصوص احساس نابرابری نشاط به وجود می‌آورد. "اگر نشاط را به عنوان ابزار سنجش "نابرابری" تفسیر کنیم، محققان از "سود و زیان نشاط" بهره خواهند برد" (Dutta & Foster, 2013) با در نظر گرفتن نشاط به عنوان شاخصی برای ارزیابی رفاه افراد جامعه، بحث نابرابری در توزیع آن نیز مطرح شده است.

منظور از "نابرابری نشاط درون کشوری" درجه و سطحی است که شهروندان در آن کشور از لحاظ میزان نشاط با یکدیگر اختلاف دارند. اگر در یک کشور هرکسی به اندازه همسایگان خود شاد باشد برابری کامل و مناسبی در نشاط وجود دارد: که البته این امر صرف نظر از سطح (میزان) آن است. کشوری که همه در آن غمگین اند حداقل با کشوری که همه در آن شادند، برابر است. با این حال اگر نیمی از شهروندان یک کشور بسیار شاد بوده و نیم دیگر به شدت غمگین باشند می‌توان گفت آن کشور دارای نابرابری بالایی از لحاظ نشاط است" (Veenhoven, 1990: 2). درحالی که درک میزان و سطح نشاط دارای اهمیت است، به نظر می‌رسد که فهم توزیع نشاط در یک جمعیت دارای ارزش و مد نظر نابرابری نشاط است (Dutta & Foster, 2013: 393). نابرابری نشاط در یک جامعه در بردارنده دو عنصر است: ۱- تعداد نسبی افرادی که رتبه نشاط متفاوتی را [براساس سؤالات پرسشنامه] کسب می‌کنند و ۲- میزان بزرگی هر یک از این تفاوت‌ها. چنین ارزیابی‌هایی باید به صورت میانگین برای جامعه به عنوان یک کل محاسبه شود. نابرابری واقعی در نشاط لزوماً با آن نوع نابرابری که شهروندان بر وجود آن معتقدند، یکسان نیست. ممکن است فردی این گونه تصور کند که نابرابری در کشورش زیاد بوده و در حال افزایش است، در حالی که تفاوت‌های موجود در این بخش واقعاً کوچک و جزئی باشد (Veenhoven & kalmijn, 2005: 360). بنابراین، آنچه در نابرابری نشاط مورد نظر قرار می‌گیرد نابرابری واقعی در نشاط است، نه پنداشت افراد از شرایط پیرامونی.

بهبودی یک مفهوم وسیع است که به طور فزاینده‌ای با استفاده از ابعاد دیگری فراتر از درآمد ارزیابی می‌شود. یکی از مهم‌ترین این ابعاد استفاده از شاخص‌های سلامت ذهنی مانند نشاط است (Dutta & Foster, 2013: 392). که نسبت به دیگر انواع نابرابری نگاه جامع‌تری را فراهم می‌آورد. در زیر برخی از مهم‌ترین مزایای شاخص نابرابری نشاط (Veenhoven, 1990) عنوان می‌شود: نابرابری نشاط شاخصی است که بیانگر نابرابری کلی است. بنابراین مشکلی را در خصوص کسب امتیاز برای نوع خاصی از نابرابری ایجاد نمی‌کند. در صورتی که سنجش یک مقیاس به شکل محدود (جنسی، درآمد، سلامت و ...) قضاوت کلی را بیان نمی‌کند و نمی‌توان با سنجش آن‌ها ارزیابی کلی از میزان وجود نابرابری در یک جامعه ارائه کرد.

در خصوص مشکل مقیاس‌پذیری نابرابری باید گفت که نشاط در تمام دنیا یکسان است. در واقع منابع منجر به نشاط در جوامع مختلف متفاوت، اما نوع قضاوت درباره نشاط در تمام دنیا یکسان است. اما به دلیل آنکه دیگر انواع نابرابری‌ها به شکل متفاوتی در بین جوامع تعریف می‌شوند، نمی‌توان از طریق آن‌ها نابرابری‌های موجود را بین جوامع مورد مقایسه قرار داد. این شاخص کاملاً با نابرابری‌های اجتماعی مرتبط است. برخلاف شاخص‌های مطرح شده در گذشته که مشخص نبود تا چه میزان بر کیفیت زندگی افراد جامعه تأثیرگذارند، این شاخص "بر روی اختلاف در کیفیت بالقوه‌ی زندگی تمرکز نکرده بلکه بر روی اختلاف در کیفیت زندگی محقق شده تمرکز دارد" (Veenhoven, 2011: 12).

توزیع نشاط، مقیاس هم‌ترازتر و بهتری در خصوص پیامدهای هرگونه نابرابری در توزیع متغیرهای کلیدی هم چون درآمد، بهداشت، آموزش و پرورش، آزادی و عدالت ارائه می‌کند، که این موارد زیر بنای سطوح و توزیع نشاط و خوشی بشر است (World Happiness report, 2016: 29). راه جایگزین جامع‌تر برای اندازه‌گیری نابرابری اجتماعی از طریق سطح رفاه افراد در این مقوله

با استفاده از خود گزارش دهی رفاه (بهزیستی ذهنی¹ *SWB*) است که غالباً با لفظ ساده‌ی نشاط نیز از آن یاد می‌شود. از آنجا که نشاط، هر چیزی که یک فرد نسبت به آن دغدغه دارد را با هم تلفیق می‌کند (از جمله ارزش‌گذاری کالا، روابط شخصی، سلامت، آزادی و غیره)، این مورد در مقایسه با هر مقیاس مبتنی بر درآمد دیگری، به‌طور بالقوه مقیاس مناسب‌تری از بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است. درک بیشتر و نگاهی عمیق‌تر به رفاه شهروندان ممکن است با ترکیب نمرات متنوع بدست آمده از *SWB* در داخل یک کشور حاصل شود که این مقیاس، معیاری اضافی برای "جامعه خوب" در نظر گرفته می‌شود (Ovaska & Takashima, 2010: 206) به نقل از (Laster Thurow, 1971).

نابرابری تعدیل شده نشاط: فلسفه مطلوبیت‌گرایی و مساوات‌گرایی در اجرا می‌تواند با یکدیگر تعارضاتی داشته باشند، بدین معنا که دستیابی به اهداف یکی از این رویکردها ممکن است رویکرد دیگر را تحت تأثیر قرار داده و موجب از دست رفتن اهداف آن شود. در مورد ارتقای سطح نشاط نیز تعارض این دو ممکن است به قیمت آسیب زدن یا از دست دادن برابری اجتماعی تمام شود. جهت ایجاد تعادل و ساخت شاخصی ترکیبی برای حصول نگاه مطلوبیت‌گرایان و مساوات‌گرایان در حوزه نشاط شاخص "نابرابری تعدیل شده نشاط"² (*IAH*) مطرح شده است. شاخصی که دو هدف دستیابی به سطح بالاتری از نشاط و توزیع عادلانه‌تر آن را با هم تلفیق و ترکیب می‌کند.

اولین تلاش برای ترکیب میانگین تخمینی نشاط (*m*) و انحراف استاندارد در درون کشورها (*s*) توسط وینهون (Veenhoven, 2003) صورت گرفت، که وی نسبت ساده *m/s* را انتخاب کرد (Veenhoven & kalmijn, 2014: 1261). که این نسبت تحت عنوان "نابرابری نشاط" شناخته می‌شود. وینهون و کالمین (Veenhoven & kalmijn, 2005) به این نتیجه رسیدند که چهار مقیاس پراکندگی (یعنی انحراف معیار، انحراف از میانگین³، انحراف استاندارد⁴ و دامنه⁵ میان چارکی)، معیارهای مد نظر آن‌ها برای مطالعه مطلوب نابرابری نشاط در بین ملت‌ها را دارد. از آنجا که هیچ مقیاسی عملکرد بهتری نسبت به انحراف استاندارد نداشت، و اینکه تاکنون انحراف استاندارد، شایع‌ترین مقیاس مورد استفاده در نابرابری نشاط بوده، بنابراین، این مقیاس به عنوان مقیاس اصلی انتخاب و توصیه شده است (Ovaska & Takashima, 2010: 2007). با این حال این آماره معایب و ایرادات متعددی دارد که مهم‌ترین آن، این است که امکان کنترل ارزش نسبی تخصیص داده شده به دیدگاه مطلوبیت‌گرایان و مساوات‌طلبان نسبت به نشاط را به ما نداده و صرفاً به ترتیب بر روی سطح (*m*) و پراکندگی (*s*) نشاط تمرکز دارد.

به همین دلیل وینهون و کالمین (Veenhoven & kalmijn, 2005) برای حل این مشکل راه‌حل خود را با ارائه شاخص "نابرابری تعدیل شده نشاط"² (*IAH*) ارائه نمودند⁵ که به صورت یک عدد صحیح بین ۰ تا ۱۰۰ تعریف شده است. این شاخص معمولاً برای مورد خاص ارزش‌های برابر اختصاص یافته به هر دو دیدگاه در خصوص نشاط اعمال می‌شود (Veenhoven & kalmijn, 2014: 1261). این روش به دنبال این است که میزان نشاط در بین مناطق مختلف را که با استفاده از میانگین و نابرابری موجود در نشاط با استفاده از انحراف استاندارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد را به بهترین شکل با هم ترکیب کند (Veenhoven & kalmijn, 2005: 424) و نشان دهد که جوامع تا چه اندازه در ترکیب سطح بالای نشاط و سطح پایین نابرابری نشاط در میان شهروندان خود موفق بوده‌اند. این شاخص با استفاده از میانگین، ارزش برابری را برای سطح نشاط اندازه‌گیری شده قائل می‌شود و همچنین با استفاده از انحراف استاندارد برای نابرابری نشاط نیز ارزشی برابر در نظر می‌گیرد (Veenhoven & kalmijn, 2014: 1259). محاسبات مطرح شده در این زمینه تا سال ۲۰۱۱ پابرجا بوده است تا اینکه تعریف *IAH* و روش محاسبه آن در سال ۲۰۱۲ دچار تغییرات (همان: ۱۲۶۱) و برای رفع مشکلات آن با دادن بهای یکسان به رویکرد مساوات‌گرایان و مطلوبیت‌گرایان (Veenhoven & kalmijn, 2014: 1261) به شکل زیر نهایی شد:

1. Subjective Well-Being

2. Inequality – Adjusted Happiness

3. Average Deviation from the Mean

4. The Standard Deviation

5. Range

در صورتی که ارزش‌های یکسانی برای هر دیدگاه مطلوبیت‌گرایان و مساوات‌گرایان در نظر گرفته شده و کمیّت نشاط در طیف عددی بین ۰-۱۰ تعیین شود، مقدار IAH را می‌توان به سادگی به صورت زیر تخمین زد: (همان، ۱۳۶۲).

$$IAH \approx 8.28 \times (m - s) + 17.2$$

برای مثال کشور چین را در نظر بگیرید که در آن، میانگین نشاط بر روی مقیاس ۰-۱۰ برابر با ۶/۱۴ بوده و انحراف استاندارد، ۲/۴۵ است. جاگذاری این مقادیر به عدد ۴۸ گرد می‌شود.

$$IAH \approx 8.28 \times (6.14 - 2.45) + 17.2 = 47.75$$

با توجه به اهمیتی که موضوع نابرابری نشاط در جوامع مختلف برای نشان دادن وضعیت بهزیستی زندگی و رضایت از آن دارد اخیراً استفاده از این اصطلاح به همراه «توسعه» و بررسی شاخص نابرابری نشاط برحسب سطح توسعه‌یافتگی رواج پیدا کرده است. در دو دهه اخیر دانشمندان به صورت جدی‌تر ارتباط توسعه‌یافتگی و شاخص‌های ذهنی را مورد بررسی قرار داده و به نتایج قابل اتکایی دست یافتند. اواسکا و تاکاشیما (Ovaska & Takashima, 2010) در پژوهش خود دریافتند "برنامه‌هایی که زندگی را برای برخی از مردم ما بهتر و مطلوب‌تر می‌کند، زندگی را برای تمامی مردم بهتر خواهد کرد. موجی که از دریا برمی‌خیزد، تمامی قایق‌ها را بلند کرده و به حرکت وا می‌دارد". وینهوون نیز معتقد است نابرابری نشاط در اکثر کشورهایی که از لحاظ اجتماعی-اقتصادی نابرابر هستند، بیشتر بوده و در کشورهای دموکراتیک و توسعه‌یافته کمتر است. در حالی که عدم نشاط می‌تواند نشان‌دهنده فقر و عدم پیشرفت اقتصادی باشد، مساله پیش رو این است که برخی موارد فقدان نشاط و احساس ناامیدی حداقل در کوتاه‌مدت با فرایندهای توسعه‌ای همراه است (Graham & Nikolova, 2015). این امر همچنین می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که افراد (، لذت‌طلبی در زمان حال را فدای دستیابی به زندگی بهتر در آینده می‌کنند. از آنجا که «نابرابری اجتماعی» به میزان قابل توجهی به «تفاوت در شانس‌های زندگی» مربوط است، هاسه‌گاوا و اوئه‌دا (Hasegawa & Ueda, 2010) نشان دادند که تفاوت در نابرابری نشاط جوامع مختلف متأثر از تفاوت در نابرابری اجتماعی موجود در آن‌هاست و احتمال نابرابری نشاط در جوامعی که به لحاظ اجتماعی نابرابرند بیش از دیگر جوامع است.

به طور کلی مطالعه وینهوون (Veenhoven, 1990) نشان‌دهنده این است که "در کشورهای توسعه‌یافته‌تر، همبستگی توسعه و نابرابری نشاط واضح‌تر و عمیق‌تر بوده و وجود برابری نشاط، شاخص قابل اتکایی برای پیش‌بینی نابرابری اجتماعی در میان ملت‌هاست. شاخص‌های مرتبط با توسعه فرهنگی و سیاسی نیز بر نابرابری نشاط جوامع موثر است. برابری در آموزش و برابری جنسیتی و سطح دموکراسی از عوامل موثر بر نابرابری نشاط محسوب می‌شوند. برابری در دستیابی شهروندان به دانش، دسترسی برابر زنان و مردان به فرصت‌های شغلی و آموزشی، و همچنین بازتاب موثر منافع سیاسی شهروندان عادی در جامعه (دموکراسی) نیز بر میزان نابرابری نشاط اثرگذار است. "بنابراین زمانی که نابرابری نشاط به عنوان عاملی متأثر از توسعه‌یافتگی مورد سنجش قرار می‌گیرد می‌تواند نتایج قابل اعتمادی از انواع مختلف نابرابری به همراه داشته باشد. از این‌رو، در مقاله حاضر نیز که به مقایسه ۳ منطقه از شهر می‌پردازد؛ فرضیه اصلی این است که هر چه سطح توسعه یافتگی مناطق در شهر تهران یافتگی بالاتر باشد میزان نشاط بیشتر و نابرابری نشاط کمتر است. بدین منظور، ابتدا میزان نابرابری نشاط در مناطق مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه و سپس به این سوال پاسخ داده می‌شود که آیا توزیع نشاط در مناطق با سطوح متفاوت توسعه یافتگی یکسان است؟ این سوال شامل دو مسئله می‌شود: اول اینکه آیا الگوی توزیع یکسان است یا نه؟ (به عنوان مثال تمامی آن‌ها برابر است) و مورد دوم اینکه آیا تفاوت‌هایی در اختلاف این توزیع‌ها وجود دارد یا نه؟ (که عموماً در برخی از مناطق مطلوب‌تر از برخی دیگر نمایش داده می‌شود).

۴. روش‌شناسی

مقاله حاضر متکی بر داده‌های تحقیقی است که دو شاخص اصلی آن میزان و نابرابری نشاط در میان مناطق انتخاب‌شده با روش کمی از نوع پیمایش به صورت پنهانگر و مقطعی به انجام رسیده است. جامعه آماری پژوهش را جمعیت ۱۸ سال و بالاتر در شهر تهران

می‌دهد که حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۶۰۰ نفر برآورد می‌شود. جمعیت نمونه براساس نسبت جمعیت بین مناطق مختلف بدین صورت تقسیم شد که منطقه ۳ برابر با ۲۳۰ نفر، منطقه ۱۳ برابر با ۱۷۷ و منطقه ۱۷ نیز ۱۹۳ نفر تعیین شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه در حجم نمونه ۶۰۰ نفری از سه منطقه شهر تهران با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. دو نوع مقیاس پرکاربرد برای اندازه‌گیری نشاط به روش گذشته نگر در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. اول پرسشنامه آکسفورد است و فرم نهایی آن با ۲۹ پرسش ۴ گزینه‌ای آماده شده که در هر پرسش فرد درباره خود از احساس ناشادی تا احساس شادی بسیار زیاد، قضاوت می‌کند (Ganji, M. (2008: 165). روش گذشته نگر دیگری که برای محاسبه شادکامی در بسیاری از تحقیقات خصوصاً در گزارش‌های جهانی نشاط طی سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته است سوالی است که در آن "درک و تحسین کلی افراد از مجموعه‌ی زندگی خود" مورد ارزیابی قرار داد (Veenhoven, 2011: 1). این سنججه استفاده شد تا امکان بهتری برای مقایسه یافته‌های این پژوهش با داده‌های بین‌المللی فراهم شود. در این سوال از اصطلاح "نشاط" استفاده نمی‌شود، بلکه فرد پاسخ‌دهنده به این امر دعوت می‌شود تا به زندگی کنونی خود بر اساس نردبانی امتیاز دهد که از "بهترین زندگی ممکن" تا "بدترین زندگی ممکن" متغیر است. در این پژوهش نیز برای سنجش نشاط از سوال زیر که در ۹۰ کشور و اساساً در پیمایش ارزش‌های جهانی (Veenhoven & kalmijn, 2014: 430) و مطالعات گالوپ سنجش شده است، استفاده می‌شود. پاسخ به این سنججه بر روی یک طیف از نمره ۱ تا ۱۰، از بهترین شرایط تا بدترین شرایط برای ارزیابی زندگی، قرار می‌گیرد. این روش در مطالعات دینر (Diener, 2001)، دینر و دیگران (Diener et al: 2010)، تی و دینر (Ti & Diener, 2011) به کار گرفته شده است (Veenhoven & kalmijn, 2014: 1260) نقل از Veenhoven & Hagerty (2006).

راضی	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ناراضی
------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	--------

برای تأیید اعتبار پرسشنامه مورد استفاده ابتدا اعتبار صوری با ارجاع به اساتید تأیید گردید. سپس به منظور بررسی اعتبار درونی یا محتوایی، پرسشنامه طی دو مرحله مقدماتی و نهایی اجرا گردید. براساس نتایج محاسبه شده، میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و مقدار kmo معادل ۰/۹ است.

نکته نوآورانه مقاله سنجش نابرابری تعدیل شده نشاط به همراه میزان آن در جامعه مورد مطالعه است که محاسبه آن از تغییر در محاسبات گویه‌های نشاط است. "نابرابری تعدیل شده نشاط" (IAH) به صورت یک عدد صحیح بین ۰ تا ۱۰۰ تعریف شده است. این شاخص معمولاً برای مورد خاص ارزش‌های برابر اختصاص یافته به هر دو دیدگاه در خصوص نشاط اعمال می‌شود. در این مقاله ابتدا فایل اکسل محاسبات این شاخص از سایت داده‌های جهانی نشاط دریافت و پس از ورود داده‌های به دست آمده میزان نابرابری تعدیل شده نشاط در جامعه مورد مطالعه محاسبه و تحلیل شده است. هرچند فایل محاسبات این متغیر موجود است و نیازی به انجام محاسبات دستی در این زمینه نیست اما فرمول ساده آن که پس از ارائه استدلال آماری و هندسی و در صورتی که ارزش‌های یکسان و برابر برای هر دو دیدگاه مطلوبیت گرایان و مساوات گرایان در نظر گرفته شود توسط محققان ارائه شده است به شرح ذیل است:

$$IAH \approx 8.28.(m - s) + 17.2$$

جامعه آماری این مقاله شامل عموم شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد، در این مقاله برای تحقق هدف پژوهش که مبتنی بر مقایسه مناطق با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت است؛ ابتدا لازم است از میان مناطق شهر تهران نمونه‌هایی که معرف سطح توسعه‌یافتگی متفاوت در این شهر باشد انتخاب شود. برای رتبه‌بندی مناطق شهر تهران از لحاظ توسعه‌یافتگی نیازمند بررسی شاخص‌های مختلف در این زمینه و آخرین آمار و اطلاعات هستیم تا بتوان با نگاه جامع و بر اساس شاخص‌های توسعه مناطق شهر تهران را رتبه بندی و با توجه به میزان توسعه‌یافتگی یکی از مناطق توسعه یافته، با توسعه متوسط و توسعه نیافته را انتخاب نمود.

سطح توسعه یافتگی به شیوه "پیشین" مورد سنجش قرار گرفت. بدین صورت که مناطق مختلف شهر تهران با استناد به برخی پژوهش‌های انجام شده (Rafiyan & Shali, 2011; Mohammadzadeh Asl et al, 2010) از لحاظ میزان توسعه یافتگی با استفاده از ۳۱ شاخص در قالب ۷ معیار اصلی (اعم از شاخص‌های مسکن، آموزش، جمعیت، اشتغال، دسترسی به اطلاعات، محیط زیست و زیرساخت‌ها) رتبه‌بندی و مناطق شهر را از نظر توسعه یافتگی در چهار سطح توسعه یافته، نسبتاً توسعه یافته، توسعه متوسط و توسعه نیافته طبقه‌بندی نموده‌اند. سپس با بهره‌گیری از مدل *AHP* و نرم افزار *EXPERT CHOISE* هر یک از موضوعات هفت گانه بر اساس اهمیتی که در تعیین سطح توسعه یافتگی دارند، دو به دو با هم مقایسه و وزن هر کدام استخراج شده است. سپس در داخل هر معیار، زیرمعیارها نسبت به یکدیگر مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار گرفتند. پس از محاسبه ضریب ناسازگاری، وزن نهایی برای هر یک از مناطق به دست آمد. بنابراین مناطق شهر تهران به سه گروه تقسیم و از هر گروه یک منطقه به عنوان نمونه انتخاب گردید. گروه دارای توسعه یافتگی بالا (منطقه ۳)، توسعه یافتگی متوسط (منطقه ۱۳) و کمتر توسعه یافته (منطقه ۱۷)؛ از هر کدام از این مناطق چند محله به عنوان محدوده پژوهش انتخاب شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

سن: تعداد کل پاسخ‌گویان ۵۹۴ نفر بود که از میان آنها بیشترین نسبت مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۹ سال با ۳۳٫۲ درصد بود و پس از آن گروه سنی ۱۸-۲۹ سال با ۳۲٫۲ درصد قرار داشت. همچنین، ۲۰ درصد در بین سنین ۴۰ تا ۴۹ سال و ۱۴٫۶ درصد از ۵۰ سال به بالا قرار داشتند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سن

گروه سنی	فراوانی	درصد معتبر
۱۸-۲۹ سال	۱۹۷	۳۳٫۲
۳۰-۳۹	۱۹۷	۳۳٫۲
۴۰-۴۹	۱۱۹	۲۰
۵۰ سال و بالاتر	۸۷	۱۴٫۶
بدون پاسخ	۶	
کل	۶۰۰	۱۰۰

جنسیت: از میان پاسخ‌گویان ۴۸٫۵ درصد زن و ۵۱٫۳ درصد نیز مرد بودند. در هر یک از مناطق مورد بررسی نیز این نسبت تقریباً برقرار بوده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۲۹۱	۴۸٫۵
مرد	۳۰۸	۵۱٫۳
بدون پاسخ	۱	
کل	۶۰۰	۱۰۰٫۰

وضعیت تأهل: ۲۵٫۳ درصد از بین پاسخگو مجرد و ۷۱٫۸ درصد متأهل و ۱۲٫۹ درصد نیز فاقد همسر (مطلقه و بیوه) بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
متاهل	۴۳۱	۷۱٫۸
مجرد	۱۵۲	۲۵٫۳
بدون همسر	۱۷	۲٫۹

وضعیت فعالیت: همان گونه که ملاحظه می‌شود ۷/۳ درصد از پاسخ‌گویان بیکار، هستند. در پاسخ‌گویان منطقه ۳، ۸/۴ درصد بیکار، ۴۵/۶ درصد شاغل، ۱۶ درصد دانشجو و محصل، ۲۶/۵ درصد خانه‌دار و ۳/۵ درصد نیز بازنشسته بودند.

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌گویان برحسب وضعیت فعالیت

وضعیت فعالیت	فراوانی	درصد
بیکار	۴۳	۷٫۳
شاغل	۲۷۰	۴۵٫۶
محصل/دانشجو	۹۵	۱۶
خانه‌دار	۱۵۹	۲۶٫۹
بازنشسته	۲۵	۳٫۵
بدون پاسخ	۸	

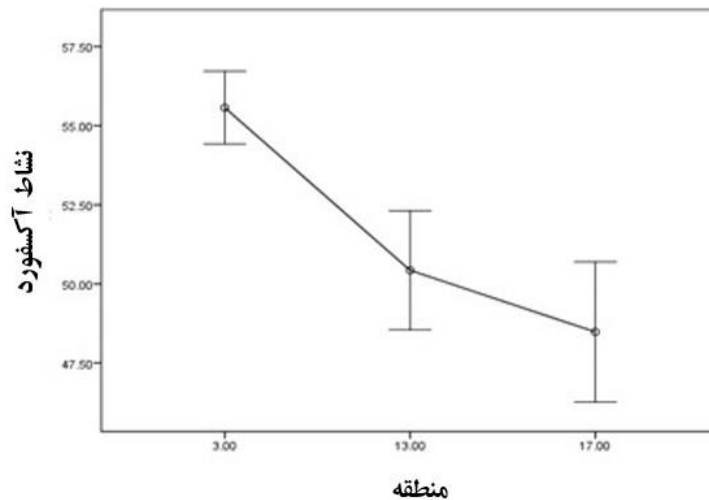
تحصیلات: به لحاظ تحصیلات، ۳/۴ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد و یا دارای سواد خواندن و نوشتن و ۱۵/۶ درصد نیز دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. همچنین، ۳۷/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۹/۱ درصد کاردانی، ۲۰/۸ درصد کارشناسی و ۱۳/۳ درصد نیز کارشناسی ارشد و دکترا بودند.

جدول ۵. توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۰	۱٫۷
خواندن و نوشتن	۱۰	۱٫۷
ابتدایی و راهنمایی	۹۳	۱۵٫۶
دیپلم	۲۲۲	۳۷٫۳
کاردانی	۵۴	۹٫۱
کارشناسی	۱۲۴	۲۰٫۸
کارشناسی ارشد	۶۷	۱۱٫۳
دکترا	۱۲	۲
بدون پاسخ و حوزوی	۷	۱٫۲

سایر متغیرها

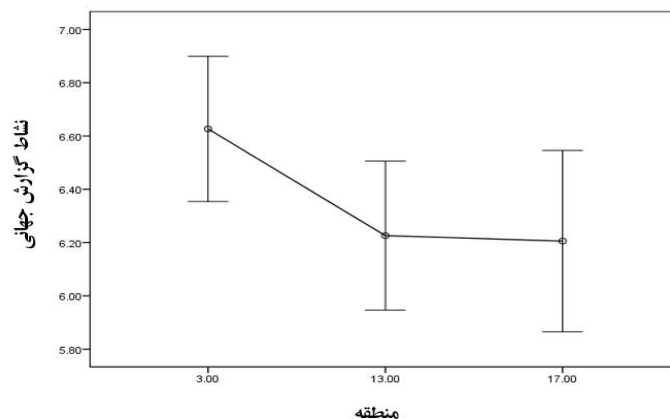
یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که سطح نشاط (بر مبنای پرسشنامه نشاط آکسفورد) در جامعه مورد مطالعه بالاتر از متوسط (میانگین نمره ۲/۳۶ در دامنه ۰ تا ۴) است و در مناطق با توسعه یافتگی بیشتر، سطح نشاط بالاتر و پراکندگی (نابرابری) نشاط کمتر است. در میان مناطق مورد مطالعه نیز منطقه ۳ با میانگین ۵۵/۶ از ۸۷ نمره (۲/۵۵ از ۴ نمره) بالاترین میزان نشاط را دارد، در حالیکه این میزان برای منطقه ۱۳ از ۸۷ نمره ۵۰/۴۲ (از ۴ نمره ۲/۳۱) و برای منطقه ۱۷ نیز ۴۸/۴۸ (از ۴ نمره ۲/۲۲) است. همچنین میزان انحراف استاندارد نشاط، به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده نابرابری نشاط، در کل جامعه مورد مطالعه ۱۲/۶۷ است. این شاخص برای منطقه ۳ تقریباً حدود یک دوم دیگر مناطق است که نشان می‌دهد منطقه ۳ بالاترین میزان نشاط و کمترین میزان نابرابری نشاط را نیز داراست و از این نظر وضعیت نشاط در این منطقه از دیگر مناطق مورد مطالعه مناسب‌تر است.



نمودار ۱. مقایسه میانگین نشاط (مقیاس آکسفورد) در سه منطقه مورد مطالعه با نمودار خطی در محدوده اطمینان ۹۵ درصد

یافته‌های سنجة گزارش جهانی حاکی از آن است که میانگین نمره نشاط در دامنه بین ۱ تا ۱۰ برابر ۶/۳۳ است که بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت هر دو سنجة نشاط نشان می‌دهد که میزان نشاط در جامعه مورد مطالعه اندکی بالاتر از سطح متوسط است.

در میان مناطق مورد مطالعه منطقه ۳ با میانگین ۶/۸۵ بالاتر از دیگر مناطق است و منطقه ۱۳ و ۱۷ نیز به ترتیب دارای میانگین ۶/۳۳ و ۵/۵۹ هستند. نکته قابل توجه این است که در هر سه منطقه میانگین نشاط بالاتر از حد متوسط (یعنی ۵) است. از طرف دیگر بررسی انحراف استاندارد نشان می‌دهد که میزان نابرابری نشاط (با ارزیابی کلی افراد از وضعیت زندگی خویش) در منطقه ۱۷ بالاتر از دیگر مناطق است و منطقه ۳ نیز از منطقه ۱۳ و ۱۷ نابرابری کمتری دارد. بدین ترتیب، منطقه ۳ با بالاترین میانگین و کمترین میزان نابرابری نشاط نسبت به دیگر مناطق از وضعیت نشاط بهتری برخوردار است.



نمودار ۲. مقایسه میانگین نشاط (مقیاس گزارش جهانی) در سه منطقه مورد مطالعه با نمودار خطی در محدوده اطمینان ۹۵ درصد

همان‌گونه که در ادبیات نظری گفته شد انتظار می‌رود منطقه‌ای که از توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردار است، نشاط بیشتری را در زندگی تجربه می‌کند. در نمودار نیز به وضوح مشخص است که هر چه از میزان توسعه‌یافتگی کاسته می‌شود میانگین نشاط نیز در مناطق مورد مطالعه کاهش می‌یابد.

جدول ۶. رابطه توسعه‌یافتگی و نشاط (هر دو مقیاس) در مناطق مورد مطالعه

متغیر	سطح توسعه‌یافتگی	میانگین (مقیاس آکسفورد)	میانگین (مقیاس گزارش جهانی)	مقدار f	سطح معنی‌داری (هر دو مقیاس)
نشاط	توسعه‌یافتگی بالا	۵۵/۵۶	۶/۸۵	12.75	۰/۰۰
	توسعه‌یافتگی متوسط	۵۰/۴۲	۶/۳۳		
	توسعه‌یافتگی پایین	۴۸/۴۸	۵/۵۹		

آزمون مقایسه میانگین‌ها و بررسی تفاوت میانگین نمره متغیر وابسته (نشاط) در مناطق با سطوح مختلف توسعه‌یافتگی نشان می‌دهد که میزان نشاط در میان سه منطقه مورد مطالعه متفاوت و این امر با سطح توسعه‌یافتگی مناطق رابطه معناداری دارد؛ بدین معنا که در منطقه ۳ شهر تهران، که بالاترین سطح توسعه‌یافتگی را نسبت به دو منطقه دیگر دارد، سطح نشاط بالاتر است. همچنین نابرابری نشاط نیز در میان مناطق مورد مطالعه با هم تفاوت دارد و در مناطق با توسعه‌یافتگی بالاتر، نابرابری نشاط کمتر است.

همچنین تفاوت میزان نشاط (ارزیابی کلی از وضعیت زندگی) براساس سنجه گزارش جهانی با سطوح توسعه‌یافتگی مورد آزمون قرار گرفت و میزان آن به شیوه متغیر نشاط (که براساس ۲۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت و یافته‌های مربوط به آن که در بالا ارائه شده) در میان مناطق مختلف متفاوت است، و از لحاظ آماری نیز در سطح ۹۵ درصد معنادار است. نتایج دو سنجه مختلف نشاط و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی مناطق هر دو فرضیه را تایید و در یک راستا قرار دارند.

مرحله دوم آزمون فرضیه توسط محاسبه شاخص نابرابری تعدیل شده نشاط مورد محاسبه قرار گرفته است که از ترکیب میانگین و انحراف استاندارد طبق فرمول توضیح داده شده و از طریق مقیاس گزارش جهانی به دست آمده که در زیر بیان شده است.

$$8.28(6.85 - 1.98) + 17.2 = 57.22$$

$$8.28(6.33 - 2.06) + 17.2 = 52.55$$

$$8.28(5.59 - 2.54) + 17.2 = 42.45$$

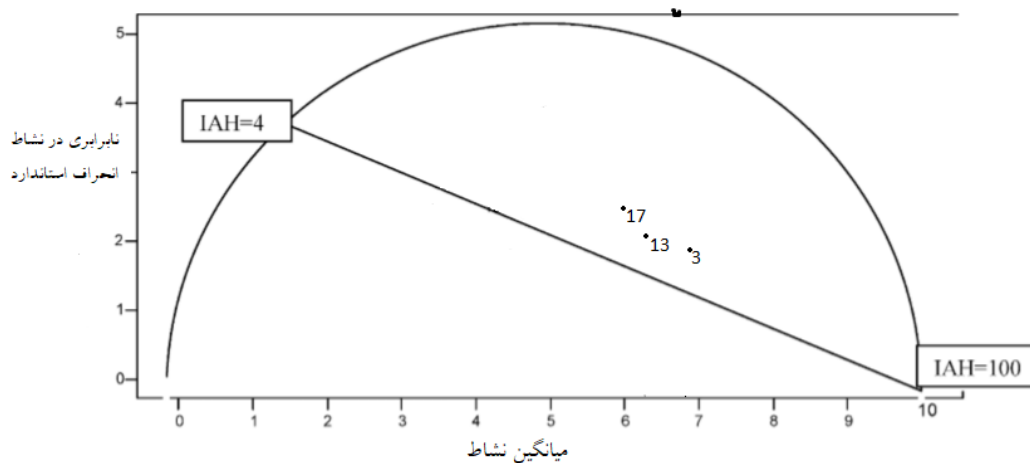
$$8.28(6.25 - 2.25) + 17.2 = 50.32$$

همان‌طور که در فرضیات و مبانی نظری پژوهش عنوان گردید نابرابری نشاط با سطح توسعه‌یافتگی در ارتباط است. منطقه ۳ که بالاترین سطح توسعه‌یافتگی را در شهر تهران دارا است با میانگین ۶/۸۵ و انحراف استاندارد ۱/۹۸ از بیشترین میانگین و کمترین

انحراف استاندارد در میان مناطق برخوردار است و بنابراین بالاترین میزان نابرابری نشاط را با عدد ۵۷/۵۲ به خود اختصاص داده است. منطقه ۱۳ که از لحاظ میزان توسعه یافتگی در سطح متوسط قرار دارد با میانگین ۶/۳۳ و انحراف استاندارد ۲/۰۶ عدد ۵۲/۵۵ را در نابرابری نشاط کسب کرده است و بعد از آن منطقه ۱۷ است که از نظر میزان توسعه یافتگی در شهر تهران پایین تر و در جایگاه آخر قرار دارد و با میانگین ۵/۵۹ و انحراف استاندارد ۲/۵۴ عدد ۴۲/۴۵ را در نابرابری نشاط به دست آورده است.

جدول ۷. آماره‌های مرتبط با نابرابری نشاط

مناطق	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	نابرابری نشاط
منطقه ۳	177	6.85	1.98	۵۷/۵۲
منطقه ۱۳	230	6.33	2.06	۵۲/۵۵
منطقه ۱۷	188	5.59	2.54	۴۲/۴۵
کل	۵۹۵	۶/۲۵	۲/۲۵	۵۰/۳۲



نمودار شماره ۳ میانگین و نابرابری تعدیل شده در نشاط در سه منطقه مورد مطالعه

در نمودار شماره ۳ جایگاه هر یک مناطق بر اساس رویکرد مطلوبیت گرایان و مساوات گرایان مشخص شده است. نقطه ۱۰ جایی است که هم مطلوبیت گرایان و هم مساوات گرایان معتقدند که بهترین جامعه است. جایی که میزان نابرابری در حداقل ممکن و میزان نشاط در حداکثر است. هر منطقه‌ای که به نقطه ۱۰ نزدیک تر باشد میزان نابرابری تعدیل شده نشاط کمتری دارد که در این مقاله منطقه ۳ که از بالاترین میزان توسعه یافتگی برخوردار است، نزدیک ترین منطقه به جایگاه مطلوب است. هر چه با میزان مطلوب فاصله زیادی دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی موضوع نشاط و نابرابری تعدیل شده نشاط (IAH) در شهر تهران و مقایسه سه منطقه از این شهر با میزان توسعه یافتگی متفاوت (منطقه ۳ با میزان توسعه یافتگی بالا، منطقه ۱۳ با میزان توسعه یافتگی متوسط و منطقه ۱۷ با میزان توسعه یافتگی کم) پرداخت.

یافته‌ها نشان می‌دهند، همان‌طور که در سطح کلان و در بین کشورها میزان نشاط و نابرابری نشاط بر حسب میزان توسعه یافتگی

متفاوت است، در سطح مناطق شهری نیز این امر صادق است؛ بدین معنا که در مناطقی که توسعه‌یافتگی بالاتری دارند وضعیت نشاط بهتری دارند. وضعیت بهتر هم بر حسب میزان و پراکندگی نشاط سنجش می‌شود؛ یعنی جایی که میزان نشاط بالاتر و نابرابری پایین‌تری دارد، وضعیت آن بهتر از مناطق دیگر است. برای نشان دادن سطح و میزان نابرابری نشاط از شاخص نابرابری تعدیل شده نشاط استفاده شد. مناطقی که نمره *IAH* آن‌ها بالاتر است وضعیت نشاط آن‌ها بهتر است و این براساس سطح توسعه‌یافتگی متفاوت خواهد بود. نمره نابرابری نشاط، که در یک طیف ۰ تا ۱۰۰ نمره‌ای محاسبه شده، در منطقه ۳ برابر با ۵۲/۵۷، منطقه ۱۳ برابر با ۵۲/۵۵ و منطقه ۱۷ برابر با ۴۲/۴۵ و در شهر تهران، به‌طور کلی، معادل ۵۰/۳۲ است. مقایسه همین اعداد با یکدیگر کاملاً ارتباط بین نابرابری نشاط و سطح توسعه‌یافتگی مناطق را تایید می‌کند. همان‌گونه که در پژوهش‌های متعدد انجام شده بین کشورها، کشورهایی که از رتبه بالاتری از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی برخوردار هستند از نظر نابرابری نشاط دارای شرایط بهتری هستند.

دستیابی به این نتیجه هم راستا با مطالعات جهانی همچون وینهوون (Veenhoven, 1990) است که در مطالعات خود نشان می‌دهد هر چقدر کشوری (در اینجا منطقه‌ای) از لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته‌تر باشد شهروندان آن بانشاط‌تر بوده و از لحاظ شادکامی با هم اختلاف کمتری دارند. در واقع می‌توان گفت در مناطقی که توسعه‌یافتگی بالاتری دارند به دلیل بهبود در شرایط زندگی اعم از برطرف شدن نیازها و خواسته‌ها افراد قضاوت بهتری نسبت به شرایط زندگی خود دارند. از آنجا که نشاط در اینجا به عنوان ارزیابی کلی فرد از شرایط زندگی سنجش شده، یافته‌ها نشان می‌دهند که بهبود شرایط زندگی اثر مستقیمی بر نشاط دارد.

تفاوت در نابرابری نشاط جوامع مختلف ناشی از تفاوت در نابرابری اجتماعی موجود در آن‌هاست و احتمال نابرابری نشاط در جوامعی که به لحاظ اجتماعی نابرابرند بیش از دیگر جوامع است. "نابرابری اجتماعی" به میزان قابل توجهی به "تفاوت در شانس‌های زندگی" مرتبط بوده و به شکل قابل توجهی تفاوت در نشاط که ناشی از عوامل ژنتیکی نباشد را پوشش می‌دهد. نابرابری‌هایی که در جوامع کنونی دارای اهمیت فراوانی دارند شامل نابرابری در "درآمد"، "قدرت"، "اعتبار"، "آموزش" و "نابرابری جنسیتی" است. اگر چه اثر نابرابری اجتماعی بر توزیع نشاط می‌تواند وابسته به ویژگی‌های دیگری از جمله توسعه اقتصادی جوامع باشد (Haswgawa & Ueda, 2010: 720)، اما وجود این نابرابری‌ها شکل‌دهنده نابرابری در نشاط هستند. در حالی که عدم شادکامی می‌تواند نشان‌دهنده فقر و عدم پیشرفت اقتصادی باشد، مساله پیش رو این است که برخی موارد فقدان نشاط و احساس ناامیدی حداقل در کوتاه‌مدت با فرایندهای توسعه‌ای همراه است (Graham & Nikolova, 2015: 170). این امر همچنین می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که افراد لذت‌طلبی در زمان حال را فدای دستیابی به زندگی بهتر در آینده می‌کنند. برای درک این فرایندها نیاز است که با مطالعه طولی، افراد را در طول زمان مورد بررسی قرار داد.

بر این اساس و با توجه به تأیید نقش نشاط در مطالعات مختلف مشاهده می‌کنیم که برخی متفکرین از جمله لایارد (Layard, 2009) پیشنهاد کرده‌اند که رضایت از زندگی باید به عنوان تنها سنجش شکل‌دهنده بهزیستی و رفاه در نظر گرفته شود. وی بر آن است که جامعه نیازمند سنجش فراگیر بهزیستی است و رضایت از زندگی را به دلیل وابستگی آن به بخش‌هایی مثل سلامت و بهداشت، آموزش، خانواده و کار که مرتبط با سیاستگذاری را به عنوان کاندیدای آشکار این سنجش مطرح می‌کند.

۷. پیشنهادات

در نهایت و با استناد به مبانی نظری و نتایج حاصل شده از پژوهش می‌توان راهکارهای ذیل را برای ارتقای نشاط و کاهش نابرابری نشاط در مناطق پیشنهاد نمود:

از آنجایی که توسعه‌یافتگی نقش موثری در ارتقاء نشاط و کاهش نابرابری نشاط دارد، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین مسائل برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای به جهت توسعه متوازن در مناطق شهر تهران است. هرچه در مناطق از لحاظ میزان توسعه‌یافتگی وضعیت بهتری حاصل شود، نابرابری نشاط کاهش می‌یابد.

یکی از مهمترین مسائل در کاهش نابرابری نشاط، کاهش نابرابری‌های اجتماعی اعم از نابرابری جنسیتی، آموزشی و ... است که لازم است برنامه ویژه‌ای برای بهبود وضعیت آموزشی مناطق با توسعه یافتگی کمتر داشت. به جهت اینکه ارتقاء نشاط و توسعه یافتگی مناطق امری فرادستگاهی است همکاری چند دستگاه اعم از شهرداری، استانداری، آموزش و پرورش و ... به صورت منسجم در فرایند ارتقاء نشاط امری ضروری است. تاکنون آمار منسجم و مدونی در زمینه نشاط وجود ندارد و بیشتر کارها به تحقیقات دانشگاهی خلاصه شده است. نیاز است سنجش طولی از شاخص نشاط در بازه‌های زمانی مختلف توسط یکی از نهادها همچون استانداری صورت پذیرد.

۸. مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در این مقاله به این صورت است که نقش هر نویسنده ۵۰ درصد می‌باشد.

۹. منابع مالی

این مقاله به صورت مستقل نوشته شده و برای نوشتن آن، از هیچ سازمانی حمایت مالی دریافت نشده است.

۱۰. تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Brooks, A. C. (2008). *Gross National Happiness: Why Happiness Matters for America-And How We Can Get More of It by Arthur C. Brooks*. Personnel Psychology (Vol. 61). Basic books .
- Cummins, R. A. (2012). The determinants of Happiness. *International Journal of Happiness and Development*, 1(1), 86–101.
- Dutta, I., & Foster, J. (2013). Inequality of Happiness in the U.S.: 1972-2010. *Review of Income and Wealth*, 59(3), 393–415.
- Fahey, T. and Smyth, E. (2003). What can subjective indicators tell us about inequalities in welfare? Evidence from 33 European societies Working paper, Dublin, *Economic and Social Research Institute* .
- Ganji, M. (2008). Analysis of sociological factors effective in measuring the Happiness of household heads in Isfahan city. *Doctoral Thesis*, University of Isfahan. (In persian).
- Graham, C., & Nikolova, M. (2015). Bentham or Aristotle in the Development Process? An Empirical Investigation of Capabilities and Subjective Well-Being. *World Development*, 68(1), 163–179.
- Griffin, J. (2007). What do Happiness studies study? *Journal of Happiness Studies*, 8, 139-148.
- Hasegawa, H., & Ueda, K. (2010). Measuring inequality of subjective well-being: A Bayesian approach. *The Journal of Socio-Economics*, 40(5), 700–708.
- Helliwell, J.F., Huang, H. & Wang, S. (2016). *The distribution of world Happiness*. In: J.F. Helliwell, R. Layard & J. Sachs (Eds.), *World Happiness Report 2016, Update (Volume 1)*, (pp. 8–48), New York: Sustainable Development Solutions.
- Hopkinns, Ed, (2008). Inequality, Happiness and Relative Concerns: What Actually is their Relationship? *University of Edinburgh, UK*, 1-24.
- Kalmijn, W., & Veenhoven, R. (2014). Index of Inequality-Adjusted Happiness (IAH) Improved: A Research Note. *Journal of Happiness Studies*, 15(6), 1259–1265.
- Layard, R. (2009). *Why subjective well-being should be the measure of progress. The 3rd OECD World Forum on “ Statistics , Knowledge and Policy ” Charting Progress , Building Visions , Improving Life*, (October).
- Mccaber, k. Bray, M. Thomas, J. k & Lea, A. (2011). promoting Happiness and life satisfaction in school children, *Canadian journal of school psychology*, 26(3), 177-192.
- Mohammadzadeh Asl., N, Imam Vardi., Q, & Srirafraz, M. (2010). Ranking of urban welfare indicators in different areas of Tehran. *Urban Research and Planning Journal*, 1(1), 85-10. (In persian).

- Mousavi., M. & Qasimzadeh, D. (2017). *Sociology of Happiness, a social and cognitive approach to the study of Happiness*. Tehran: Aghaz Publications. (In persian).
- Ott, J. (2005). Level and inequality of Happiness in nations: Does greater Happiness of a greater number imply greater inequality in Happiness? *Journal of Happiness Studies*, 6(4), 397–420 .
- Ovaska, T., & Takashima, R. (2010). Does a Rising Tide Lift All the Boats? Explaining the National Inequality of Happiness. *Journal of Economic Issues*, 44(1), 205–224 .
- Rafiyani, M., & Shali, M. (2011). Spatial analysis of Tehran's development level by urban areas. *Planning and preparation of space (Teacher of Humanities)*, 16(4 (series 76)), 25-49. (In persian).
- Veenhoven, R. (1988). *Conditions of Happiness*. Springer Science & Business Media .
- Veenhoven, R. (1990). Inequality in Happiness, inequality in countries compared between countries. *Working Group Social Indicators and Quality of Life*. Session 7, Social Trends and Inequality.
- Veenhoven, R. (2005). Inequality of Happiness in nations. *Journal of Happiness Studies*, 6(4), 351–355.
- Veenhoven, R. (2007). *Measures of gross national Happiness*. Presentation at OECD Statistics, Knowledge and Policy, Roundtable on 'Measuring Happiness and Making Policy', Istanbul, Turkey, June 27-30.
- Veenhoven, R., & Ehrhardt, J. (1995). The cross-national pattern of Happiness: Test of predictions implied in three theories of Happiness. *Social Indicators Research*, 34(1), 33–68.
- Veenhoven, R., & Kalmijn, W. (2005). Inequality-adjusted Happiness in nations egalitarianism and utilitarianism married in a new index of societal performance. *Journal of Happiness Studies*, 6(4), 421–455.
- Veenhoven, R., (2004). *World Database of Happiness: Continuous register of research on subjective enjoyment of life*. Erasmus University, Rotterdam; www.world data base of Happiness. eur.nl.
- Veenhoven, R., (2007). *Measures of Gross National Happiness*. Presentation at OECD conference on measurability and policy relevance of Happiness, April 2-3, Rome.
- Veenhoven, R., (2010). Life is getting better: societal evolution and fit with human nature. *Social Indicators Research* 97, 105–122.
- Veenhoven, R., World Database of Happiness, Erasmus University Rotterdam, The Netherlands Assessed on (date) at: <http://worlddatabaseofHappiness.eur.nl>.